تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

حکومت مهدوی و بازه زمانی استمرار آن

امیر غنوی [۱]
مهدی صبایی [۲]
رسول رضوی [۳]

چکیده

گفتمان مهدویت ابعاد گوناگون و مسائل متنوعی را در برمی‌گیرد، یکی از مسائل مطرح در این حوزه، بازه زمانی و مدت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. اهمیت این مسئله بازگشت به طرح آن در جوامع حدیثی و وجود پاسخ‌های گوناگون به این امر دارد. با توجه به گوناگونی روایات در این مسئله، برخی به طولانی بودن مدت حکومت مهدوی و دسته‌ای دیگر به کوتاهی آن باور یافته‌اند. دیدگاه گستره زمانی حاکمیت مهدوی را افزون بر روایات، ادله‌ای عقلی همانند نیازمندی استقرار حکومت جهانی به زمان طولانی تأیید می‌کند، در سوی دیگر نیز برخی ادله همچون امکان تحقق اهداف حضرت در زمان محدود، اندیشه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام را قابل‌پذیرش کرده است. نگاشته حاضر تلاش دارد به چگونگی جمع میان روایات متعددی که هر دو دیدگاه به آن‌ها استناد داده‌اند؛ پاسخ گوید. در نهایت شواهد نظریه طولانی بودن زمان حکومت به نقد کشیده شده و دیدگاه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام تقویت‌شده است.

واژگان کلیدی

ظهور، حکومت مهدوی، برپایی قیامت، سرنوشت جهان.

---

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم (نویسنده مسئول) (amir_ghanavi@yahoo.com).
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث قم.
۳. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث قم.

مقدمه

بنابر برخی روایات بعد از حکومت حضرت، قیامت برپاشده و بساط دنیا برچیده خواهد شد. پیامبر اکرم ﷺ در خطبهٔ غدیر، ضمن معرفی همهٔ ائمه علیهم‌السلام دربارهٔ حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌فرماید:

> **ألا إنّ خاتم الائمة منا القائم المهدی ألا إنه الظاهر علی الدّین ألا إنّه المنتقم من الظالمین... ألا إنّه الباقی حجّةً و لا حجة بعده؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج۳۷، ۲۱۳)**
> آگاه باشید خاتم امامان، مهدی قائم از ماست. آگاه باشید که او آشکارکنندهٔ دین و انتقام گیرنده از ظالمان است... آگاه باشید قائم، حجت باقی و پایدار است و هیچ حجتی پس از او نیست.

مطابق این روایت، پیامبر ﷺ در این خطبه حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را آخرین امام برای بشر و حجت باقی و جاودان که حجتی دیگر در پی او نیست، معرفی کرده است.[1]

بر اساس این روایات یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در ارتباط با آخرالزمان، مدت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بعد از ظهور است که دو نظریه طولانی یا کوتاه بودن حکومت حضرت را به دنبال داشته است.

چراکه در صورت استمرار حکومت امام مهدی علیه‌السلام در قالب حکومت سایر معصومان و یا صالحان، حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه همانند حکومت رسول گرامی اسلام ﷺ خواهد بود که با وجود بشارت ظهور آن حضرت در سال‌های متمادی توسط پیامبران گذشته، تنها ده سال به دست ایشان مدیریت شد و استبعادی را نیز به دنبال نخواهد داشت، زیرا هدف از تشکیل حکومت اسلامی از سوی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اقامه قسط و عدل در جامعه و تداوم آن هست و در راستای تحقق این هدف، تفاوتی بین حکومت به‌واسطه شخص حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و یا اشخاصی همانند ایشان چون معصومان علیهم‌السلام و یا برگزیدگانی از بندگان صالح خداوند وجود ندارد، برخلاف آن که معتقد به برچیده شدن بساط دنیا با پایان یافتن حکومت آن حضرت، بوده باشیم.

طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام را علاوه بر روایات، برخی ادله عقلی نیز تأیید می‌نماید و لکن وجود روایاتی که برکوتاهی این زمان دلالت دارند درکنار خدشه بر دلایلی که بر طولانی بودن مدت حکومت ارائه‌شده، نظریه طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام را با

۱. برای توضیح بیشتر: ن.ک: جهان پس از امام مهدی علیه‌السلام از دیدگاه روایات، رحمن ستایش، محمدکاظم، زمستان ۹۳، مشرق موعود، ش۳۲.

تردید مواجه کرده است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا ضمن رفع تعارض میان روایات، به دلایل طولانی بودن مدت حکومت پاسخ‌داده‌شده و کوتاهی زمان حکومت تثبیت گردد.

دلایل نظریه طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام

بسیاری از مهدویت پژوهان به طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام بعد از ظهور اعتقاددارند. طرفداران این نظریه علاوه بر روایات با بهره‌گیری از برخی استدلالات عقلی به اثبات این اعتقاد پرداخته‌اند که در ادامه ضمن اشاره به هر دو دسته از ادله به نقد و بررسی آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. ادله نقلی طولانی بودن حکومت امام مهدی علیه‌السلام

دلیل‌های نقلی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام در مورد زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام در اختیار ما قرار دارد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول روایاتی است که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سؤال شده است و ایشان در مقام پاسخگویی با ذکر برخی اعداد مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام معین نموده‌اند و دسته دوم روایاتی که بدون تعیین عددی خاص به طولانی بودن مدت حکومت حضرت اشاره نموده‌اند.

۱. روایات دلالت‌کننده بر طولانی بودن مدت حکومت با ذکر عدد

در میان روایاتی که بر زمان حکومت حضرت دلالت دارند، اعدادی ذکرشده که می‌توان از آن اعداد، طولانی بودن حکومت حضرت را استفاده نمود:

> ... هفتاد، صد و چهل و نهایتاً سیصد و نه سال، زمان‌هایی هستند که در احادیث، از آن‌ها به عنوان مدت حکومت یا زندگی امام زمان علیه‌السلام پس از ظهور یادشده است. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج۵۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۱۹_۱۲۰)

نقد و بررسی

همان‌طور که برخی روایات بر طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام دلالت دارند، روایات به مراتب فراوان‌تری بر کوتاهی مدت حکومت دلالت دارند:

> پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، چهارده، نوزده، نوزده و اندی، بیست، سی، چهل... زمان‌هایی هستند که در احادیث، از آن‌ها به عنوان مدت حکومت یا زندگی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه پس از ظهور یادشده است. برخی احادیث نیز از هفت سال و دو ماه و چند روز سخن گفته‌اند. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج۵۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۱۹_۱۲۰)

با توجه به وجود این مضامین متنوع و متعدد، راه‌کارهای مختلفی برای برون‌رفت از تعارض ذکرشده مطرح است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) بررسی سندی تمامی روایات

یکی از متداول‌ترین روش‌ها در دست‌یابی به روایات صحیح از مجموعه روایات رسیده، بررسی جداگانه هریک از روایات از جهت سندی است تا با خارج شدن روایات ضعیف و محدود شدن دایره تعارض، بتوان به یک جمع‌بندی رسید و چه‌بسا، تعارضی باقی نماند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از یکی از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه تنها روایتی که از نظر سندی در نظر شیعه قابل‌قبول و استناد هست روایتی است که مدت زمان حکومت حضرت را نوزده سال دانسته است. در این روایت آمده است:

كَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ عليه‌السلام فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۳۲، باب ۲۶، ح ۳)؛[1]

ب) تفکیک بین حکومت شخص حضرت و حکومت مهدوی

یکی دیگر از راه‌های جمع میان روایات متعدد که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه حمل نمودن روایات کوتاهی مدت حکومت بر حکومت شخص حضرت و روایات طولانی بودن مدت، بر حکومت مهدوی که از سوی سایر معصومین یا بندگان صالح خداوند انجام می‌شود، می‌باشد.

در کتاب ***دانشنامه امام مهدی*** عليه‌السلام این‌گونه آمده است:

> یک احتمال این است که حکومت خود مهدی عليه‌السلام کوتاه‌تر باشد و حکومت سایر اهل‌بیت عليهم‌السلام پس از رجعت آنان استمرار یابد و تحقق این حکومت در درازمدت و به دست دیگر امامان عليهم‌السلام باشد. بر این اساس، زمان‌های طولانی‌تر را باید ناظر به حکومت مهدوی دانست، نه حکومت شخص امام مهدی عليه‌السلام. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۲۹_۱۳۰)

نقدی که می‌توان بر این راه‌حل ارائه نمود آن است که: همان‌گونه که آشنایی با شأن نزول آیات، کمک فراوانی به فهم صحیح و دقیق از آیات می‌نماید، آشنایی با شأن صدور روایات نیز راهنمای خوبی در فهم صحیح و دقیق از روایات می‌باشد می‌نماید و این امر، تحفّظ بر مقام صدور روایات را لازم و ضروری می‌نماید و ازجمله راه‌های آشنایی با شأن صدور روایات، تعابیر

۱. ر.ک: مقاله بررسی روایات مدت حکومت امام زمان عليه‌السلام، ورمزیار، مصطفی، پژوهش‌های مهدوی، قم، ش ۶.

به‌کار رفته در روایات می‌باشد. تعابیر به‌کار رفته در برخی روایات همچون «رجل من اهل‌بیتی» (طوسی، ۱۴۲۵: ۱۸۲) و یا «یعیش» (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۷۸) ظهور، بلکه تصریح بر این نکته دارند که محور پرسش و پاسخ، حکومت شخص حضرت (و نه حکومت مهدوی) می‌باشد.

ج) استفاده از تمامی روایات

راه‌حل دیگری که در جمع میان روایات مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام قابل ارائه است، مفروض گرفتن صحت تمام روایات می‌باشد، در این راه‌حل تلاش می‌شود به‌گونه‌ای میان روایات جمع گردد تا از تمامی روایات استفاده شود. علامه مجلسی با گزینش این روش در مورد روایاتی که در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام واردشده می‌نویسند:

> اخبار متفاوت وارد شده در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام، برخی بر همه مدت فرمانروایی ایشان، برخی بر زمان استقرار دولت او، برخی بر سال‌ها و ماه‌ها به‌حساب ما و برخی هم بر سال‌ها و ماه‌های طولانی زمان ایشان حمل می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۵۲، ۲۸۰)

همچنین ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت و ضعف حمل نمود. در کتاب ***لوائح الانوار البهیة والبحور الزاخرة*** آمده است:

> بر فرض صحت تمام روایات، می‌توان همه را این‌گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور و قوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می‌کنیم؛ و مدت‌زمان کمتر را بر حدّاقل ظهور و مدت حدّ وسط را نیز بر حدّ وسط ظهور و قوّت حمل می‌نماییم. (سفارینی، ج۲، ۷۹)

خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می‌کند: الف) مرحله ظهور و قوّت که در آن زمان، امور رتق‌وفتق می‌شود (حداقل)؛ ب) مرحله تثبیت و آرامش (حدّ وسط)؛ ج) مرحله نهایی و نهایت حکومت حضرت (حدّ اکثر). (رضوانی، ۱۳۸۶: ۳۶)

برخی نیز این‌گونه بین روایات جمع نموده‌اند که:

> عدالت در جهان طی سه مرحله مقدماتی (۷- ۸ ساله)، متوسطه (۳۰- ۴۰ ساله) و نهایی (۳۰۹ ساله و بیشتر) به اجرا درمی‌آید. (قنبری، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

در کتاب ***تاریخ پس از ظهور*** بر جمع بین روایات این ایراد وارد شده که:

> این سخن بدان معنی است که امام سال‌های طولانی ناکام می‌ماند زیرا اگر روایت پنج سال را بر روایت چهل سال معطوف نماییم، نتیجه خواهیم گرفت که آن حضرت

سی‌وپنج سال معطل و بدون دستیابی به نتیجه‌ای معطل خواهد ماند. حال اگر روایت سیصد و نه سال را در نظر بگیریم، مدت‌زمان ناکامی امام در مقام مقایسه با مدت حکومت ایشان، بسیار بیشتر خواهد بود؛ و چنین چیزی در مورد کسی که قرار است غرض والای الهی از آفرینش بشر را محقق نماید، کاملاً بی‌معنی و مفهوم است. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۸)

د) تفکیک روایات به دو دسته

راه‌حل چهارمی که می‌توان با استفاده از مبنای اصولی «اجتماع تعداد فراوان روایات در حول یک نقطه مشترک موجب قوت مضمون مشترک میان آن‌ها شده و به ضعف سندی هر روایت به‌تنهایی توجهی نمی‌شود» (صدر، ۱۴۳۵: ۲۰۳) ارائه نمود عبارت از آن است که: در مقام جمع میان روایات واردشده در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام از میان اعدادی که در تعیین مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام عنوان‌شده است عدد «چهل» و کمتر از آن، به‌عنوان زمان‌های کوتاهی که در روایات به‌عنوان مدت حکومت حضرت ذکر شده در یک دسته و مابقی روایات در دسته دیگری قرار داده شوند، در نتیجه مجموع روایاتی که در آن‌ها سخن از مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام به میان آمده است در دو دسته قرار خواهند گرفت؛

دسته اول: روایاتی که دلالت بر کوتاه بودن حکومت امام مهدی علیه‌السلام دارند. به نظر می‌رسد با توجه به انتظار چند صدساله و بشارت ظهور حکومت امام مهدی علیه‌السلام از زمان انبیاء پیشین تاکنون، می‌توان تمامی روایات تا چهل سال را در این دسته قرارداد، چراکه حکومت حضرت، حتی در امتداد چهل سال، مقدار کم و کوتاهی محسوب می‌شود.

دسته دوم: روایاتی که دلالت بر طولانی بودن مدت حکومت دارند. در این دسته روایات بیش از چهل سال قرار داده می‌شود.

با توجه به متعارض بودن این دو دسته از روایات و عدم امکان اخذ به هر دو دسته، دسته دوم از روایات به جهت اندک بودن در کنار ضعف سندی (که به اشکال و انواع مختلف سخن از زمان‌های متعدد نموده‌اند) توانایی تعارض با دسته اول از روایات را نداشته و از گردونه تعارض خارج خواهند شد.

فارغ از راه‌حل سوم (استفاده از تمامی روایات) نتیجه تمامی راه‌های ارائه‌شده ترجیح روایاتی است که بر کوتاهی زمان حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اشاره دارند. بر همین اساس از منظر نقلی و روایی، نظریه کوتاهی مدت حکومت حضرت بر نظریه طولانی بودن مدت حکومت حضرت اولویت دارد، لذا در جمع‌بندی از روایاتی که در مورد مدت حکومت امام

مهدی علیه‌السلام واردشده است می‌توان کوتاهی زمان حکومت آن حضرت را اثبات نمود. علاوه بر آن‌که بالاترین عدد ذکرشده در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام ۳۰۹ سال است که در مقایسه با غیبت حضرت تاکنون و مشخص نبودن زمان ظهور (که شاید صدها سال دیگر هم طول بکشد) می‌تواند از آن به‌عنوان زمان اندک و محدود نام برد.

۲. روایات دلالت‌کننده برطولانی بودن مدت حکومت بدون ذکرعدد

در میان روایاتی که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وارد‌شده‌اند برخی روایات بدون بیان عددی خاص، بر طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت دلالت دارند که خود بر دو دسته قابل‌تقسیم می‌باشد:

دسته اول: برخی روایات به بیان کیفیت دعای برای حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اشاره دارند همانند دعای فرج که در بخشی از آن این‌گونه آمده است:

> حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَوِیلاً؛
> خدایا، حضرت حجّت بن الحسن را ساکن زمین گردانیده و مدّت زمان طولانی در آن بهره‌مند ساز.

با توجه به برگشت ضمیر در واژه «تمتعه» به وجود مبارک حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف روشن می‌شود که ائمه معصومین علیهم‌السلام در ضمن این دعا درخواست حکومتی طولانی برای آن حضرت را به مردم تعلیم می‌دهند.

در کتاب ***دانشنامه امام مهدی*** علیه‌السلام در تبیین این دلیل آمده است:

> دستور اهل‌بیت علیهم‌السلام است که برای بقای او بر روی زمین و تمتع طولانی او دعا کنیم: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...». تمتع طولانی ایشان پس از استقرار حکومت‌شان خواسته می‌شود: «حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا». اگر مقرر باشد که دوران زندگی ایشان پس از استقرار حکومت‌شان کوتاه باشد، وجهی برای آموزش این دعا و خواندن آن وجود ندارد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۳۳)

دسته دوم: در برخی روایات از طولانی شدن عمرها در دوران حکومت امام مهدی علیه‌السلام سخن به میان آمده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که:

> در دوران حکومت او مرد آن‌چنان عمر دراز یابد که هزار پسر برای او زاده شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۵۲، ح۵۲، ۳۳۰)

نویسنده کتاب *تاریخ پس از ظهور* در توضیح این دلیل می‌نویسد:

طولانی شدن عمر مردم، مستلزم طولانی بودن عمر خود اوست وگرنه طول عمر مردمان در زمان او نخواهد بود. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۸)

نقد و بررسی

در مورد دعای فرج دو پاسخ قابل‌ارائه می‌باشد:

الف) در این فراز دعا «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتعَهُ فيها طَوِيلا» «خدایا، حضرت حجّت بن الحسن را ساکن زمین گردانیده و مدّت زمان طولانی در آن بهره‌مند ساز» از خداوند درخواست و تقاضایی مطرح‌شده و درخواست یک مطلب هیچ‌گونه تلازمی با پذیرش و یا وقوع خارجی آن ندارد. در جستجو در منابع روایی می‌توان به مواردی دست یافت که حتی درخواست پیامبران نیز مورد اجابت قرار نگرفته است به‌عنوان نمونه در روایت است که: جابر بن سمره می‌گوید: امیرالمؤمنین از پیامبر خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

از پروردگارم سه خصلت خواستم، پس دو تا را به من داد و یکی را نداد، گفتم: پروردگارا، امت مرا با گرسنگی هلاک مکن، فرمود: این را به تو دادم، گفتم: پروردگارا، بر امت من دشمنی از مشرکان را مسلط مکن که آن‌ها را نابود سازد، فرمود: این را به تو دادم، گفتم: پروردگارا، میان آن‌ها جنگ با یکدیگر را قرار مده، پس خدا این حاجت را روا نکرد. (صدوق، ۱۴۱۴: ج۱، ۸۳)

و یا در دعاهای ماه مبارک رمضان از نبی گرامی اسلام ﷺ نقل‌شده است که مسلمانان را به خواندن این دعا بعد از هر نماز سفارش نموده‌اند که:

اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ [مَدِينٍ] اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فُكَّ كُلَّ أَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ أَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای خدا بر اهل قبور نشاط و سرور عطا کن، هر فقیری را بی‌نیاز گردان، هر گرسنه را سیر گردان، هر برهنه را بپوشان، قرض هر مدیونی را ادا فرما، هر غمگینی را دل شاد ساز، هر غریبی را به وطن بازرسان، هر اسیری را آزاد گردان، مفاسد امور مسلمانان را اصلاح فرما، هر مریضی را شفا عنایت کن، به غنای خود مانع از فقر ما شو، بدی‌های حال ما را به خوبی صفات خودت تغییر ده، دین ما را ادا فرما، و فقر ما را بدل به بی‌نیازی فرما که تو بر هر چیزی توانایی. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۶۱۸)

با آن‌که قطعاً چنین درخواست‌هایی تاکنون به اجابت نرسیده است.

ب) ایـن احتمـال نیـز ممکـن اسـت کـه واژه «طـویلا» در ایـن دعـا کنایـه از گسـتردگی و جهان‌شمولی حکومت حضرت باشد و در این بخش از دعا درخواست جهانی بودن حکومت حضرت مورد درخواست است. آن‌چه این احتمال را قوت می‌بخشد روایت‌های گوناگونی است که از این دعا در سایر کتب وارد شده است از جمله: علامه مجلسی در فصل «فی ما نذکره مما یختم به کل لیلة من شهر رمضان» از «محمدبن عیسی بن عبید» با نسبت دادن این دعا به یکی از معصومین علیهم‌السلام می‌فرماید:

> در شب بیست‌وسه از ماه مبارک رمضان این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی و در تمام ماه مبارک رمضان و هر طور که برایت ممکن و مقدوراست و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال و درود بر پیامبر و اهل‌بیت او بگو: اللهم کن لولیک القائم بأمرک الحجة بن الحسن المهدی علیه و علی آبائه أفضل الصلاة والسلام فی هذه الساعه و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و مؤیداً حتی تسکنه أرضک طوعاً و تمتّعه فیها طولاً و عرضاً و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۹۴، ۳۴۹)

چنان‌که ملاحظه می‌گردد در این دعا به جای واژه «طویلا» از واژه «طول» استفاده‌شده و بعدازآن از واژه «عرض» استفاده‌شده که در کنار هم قرار گرفتن این دو واژه همان معنای گستردگی و جهانی بودن را افاده می‌نماید. آن‌چه این احتمال را تقویت می‌نماید روایت شیخ طوسی در کتاب «***تهذیب الاحکام***» از این دعا است (طوسی، ۱۴۰۱ : ۱۰۲، ح ۲۶۵) در این روایت به جای عبارت «تمتّعه» از عبارت «تمکّنه» استفاده‌شده که با توجه به معنای لغوی آن (توانایی و چیرگی بخشیدن) با واژه «طول» تناسب بیشتری دارد و آیاتی هم که این واژه در آن‌ها مورد استفاده قرارگرفته از امور مهمی مثل حاکمیت و قدرت، سخن به میان آورده است مثلاً می‌فرماید:

> **﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾؛ (حج:۴۱)**
>
> یاران خداکسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امربه‌معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است.

ج) علاوه بر آن‌که با توجه به روایت پیش گفته روشن می‌شود برای واژه «طویل» نسخه بدل هم وجود دارد و بر این اساس نمی‌توان با استناد به این واژه، طولانی بودن حکومت را

اثبات نمود.

اما در مورد طولانی شدن عمر در زمان امام مهدی علیه‌السلام نیز دو پاسخ می‌توان داد:

الف) هم‌چنان‌که در عرب متداول است در بسیاری از موارد اعدادی همچون هفتاد و هزار، کنایه از کثرت می‌باشد چنان‌که در قرآن کریم آمده است که:

وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلى حَياةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ يعَمَّرَ وَ اللهُ بَصِيرٌ بِما يعْمَلُونَ؛ (بقره: ۹۶)

آن‌ها را حریص‌ترین مردم حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آن‌جا) که هر یک از آن‌ها دوست دارد هزار سال عمر کند درحالی‌که این عمر طولانی او را از عقاب خداوند بازنخواهد داشت و خداوند به اعمال آن‌ها بینا است.

بنابراین به‌یقین می‌توان ادعا نمود که مراد امام، ظاهر روایت که فردی دارای هزار پسر باشد نمی‌باشد بلکه این تعبیر کنایه از طولانی بودن می‌باشد و همان‌طور که احتمال طولانی بودن مادی محتمل می‌باشد این احتمال هم وجود دارد که مراد ارزشمند شدن زمان حضور آن حضرت باشد که باوجود محدود بودن از جهت زمان دارای ارزشمندی بسیار می‌باشد. به تعبیر دیگر: زندگی در آن دوران به‌قدری ارزشمند می‌باشد که حتی درک دوران کوتاه آن، همانند زندگی بسیار طولانی در غیر این دوران می‌باشد. در کتاب «روزگار رهایی» در تبیین این نکته آمده است:

اگر مدّت حکومت حضرت بقیةالله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه هفت سال از سال‌های عادی باشد بازهم بیش از هفتادسال ارزش دارد، زیرا همه‌اش آسایش و آرامش خواهد بود، دیگر از این تضادها و تزاحمات خبری نخواهد بود، کسی برای ثروت‌اندوزی و کینه‌توزی با دیگری سر ستیز نخواهد داشت، بلکه همه‌اش تلاش در عبادت و اطاعت و خدمت به خلق و صفا و صمیمیت خواهد بود که هر ساعت آن بیش از ماه‌ها و سال‌های دیگر دوران ارزش دارد و اصلاً نمی‌توان مقایسه نمود. (سلیمان، ۱۳۸۶: ج۲، ۶۳۵)

ب) راه‌حل دیگر نمادین دانستن این نوع از نشانه‌ها می‌باشد. در مورد نمادین یا واقعی بودن نشانه‌های ظهور تحقیقاتی صورت گرفته است.[1] که بررسی امکان ورود این بحث به سایر نشانه‌ها از جمله نشانه‌های دوران ظهور امام مهدی علیه‌السلام نیازمند تحقیقی مستقل می‌باشد.

۱. برای توضیح بیشتر: ن.ک: نمادگرایی در نشانه‌های ظهور، الهی‌نژاد، حسین، تابستان ۹۵، مشرق موعود، ش۳۸، قم.

۲. ادله عقلی طولانی بودن حکومت امام مهدی علیه‌السلام

برای طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام به برخی ادله عقلی استناد شده؛ که در ادامه به برخی اشاره می‌گردد:

۱. تناسب غیبت طولانی با درازی زمان حکومت

طبیعت یک انتظار طولانی برای تحقق وعده حکومت صالحان در زمین که از زمان حضرت آدم علیه‌السلام آغاز و تا زمان نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام امتداد پیدا نموده است و در قرآن مجید با آیه شریفه:

﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵)؛
خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد.

پیوسته نسبت به آن توجه داده‌شده، طولانی بودن این حکومت هست.

توضیح مطلب آن‌که: غیبت بیش از هزارساله، وعده حکومت صالحان در زمین در آیات متعدد قرآن مثل آیه شریفه:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (انبیاء: ۱۰۵)
ما در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

و یا آیه شریفه:

﴿وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ (قصص: ۵)
اراده ما بر این قرارگرفته است که به مستضعفین نعمت‌بخشیم و آن‌ها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم!

و یا آیه شریفه:

﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵)؛
خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد.

که بشارت آن توسط پیامبران و ائمه علیهم‌السلام در طول قرون متمادی به مردم داده‌شده با دولت کوتاه و چندساله آن حضرت همخوانی ندارد.

نگارنده کتاب ***منتخب الاثر*** در تبیین این دلیل نگاشته‌اند که:

> در اکثر آن‌ها (اخبار) مدت کوتاهی برای حکومت حضرت تعیین‌شده که مناسبتی با آن واقعه عظیم که پیامبران به آن بشارت داده‌اند و آیاتی از قرآن کریم بر آن تطبیق داده‌شده ندارد. پس‌از آن که بشریت در طول تاریخ حیات و تمدن خویش زیر یوغ ستمگران انواع ظلم‌ها و تبعیض‌ها و محرومیت‌ها را تحمل کرده است ظهور حکومتی عادل با عمری کوتاه به این می‌ماند که به یک زندانی محکوم‌به حبس ابد که پدران و اجداد او نیز سرنوشت‌شان همین بوده و همگی پیش از او در زندان مرده‌اند بشارت بدهند که تو در آخرین ساعت یا آخرین روز از حیات خود از زندان آزاد خواهی شد و به‌این‌ترتیب آینده‌ای درخشان همراه با امنیت و عدالت در انتظار توست. آیا او حق ندارد که بگوید: این آزادی یک‌ساعته یا یک‌روزه در مقابل این دوران طولانی زندانی که در آن پدرانم را ازدست‌داده‌ام و انواع محرومیت‌ها و رنج‌ها تحمل کرده‌ام چه ارزشی دارد؟ (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ج۶، ۷)

در کتاب حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام در تبیین این مطلب آمده است:

> مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه‌مدت نیست بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این‌همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۱)

همچنین نگارنده کتاب ***دانشنامه امام مهدی*** علیه‌السلام در تبیین طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام نوشته است:

> پذیرش این مطلب که مردم، قرن‌ها برای تحقق حکومت عدل مهدوی در انتظار باشند و سختی و مشکلات بسیاری را در این راه تحمل کنند، ولی این حکومت، چند سالی بیشتر به طول نینجامد و بساط جهان درهم‌پیچیده شود، بسیار دور از ذهن است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۳۲)

نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهه به برخی نکات که می‌تواند ما را در ارائه تحلیلی مقرون به صواب از پذیرش کوتاهی حکومت آن حضرت در دوران ظهور یاری نماید، اشاره می‌گردد:

الف) همیشه ایجاد بسترهای یک حرکت و انقلاب، نیازمند صرف زمان‌های طولانی برای فراهم نمودن مقدمات و لوازم آن است و هر مقدار ابعاد این حرکت و انقلاب گسترده‌تر باشد نیازمندی آن به فراهم شدن مقدمات آن بیشتر خواهد بود و طبیعی است که زمان فراوانی را برای این امر باید سپری نمود. انقلاب حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از این قانون مستثنا نیست لذا در

روایتی از نبی اکرم ﷺ واردشده که فرمودند:

خوشا به حال کسی که قائم از اهل‌بیت مرا درک می‌کند قبل از قیامش، از او به‌عنوان امامش پیروی و از دشمنانش بیزاری جوید، این افراد دوستان من و بزرگوارترین از امت من می‌باشند. (نعمانی، ۱۳۹۵: ج۱، ۲۸۷)

به‌عنوان نمونه یکی از مقدمات لازم در تشکیل انقلاب آن حضرت ایجاد لشگر ۳۱۳ نفری آن حضرت است که در روایات متعددی به آن اشاره‌شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۱۰۰، ح ۸، ۴۹) و طبیعی است به وجود آمدن این تعداد نفر با آن ویژگی‌های خاص نیازمند بستر زمانی بسیار گسترده‌ای است.

ب) قیام حضرت مهدی ﷺ مهم‌ترین تغییر در جهان است که مبتنی بر ایمان و اعتقاد به لزوم تغییر و همچنین رفتار متناسب با تغییر موردنظر است. بر اساس نظریه تغییر در تغییرات اجتماعی، تغییر اکثریت افراد اجتماع زمینه‌ساز خواهد بود؛ و تا اکثریت جامعه خواستار تغییر جامعه نباشند، تغییر واقع نمی‌شود (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۸) و خواست اکثریت حاکی از فراهم شدن زمینه برای ایجاد تحول است و در این صورت بخش اعظم واصلی کار صورت گرفته است، چراکه هر زمان خواست اکثریت فرارسد ظهور نیز خواهد بود و از همین‌جا می‌توان درستی کلام خواجه‌نصیرالدین طوسی را دریافت که می‌نویسد:

وجوده لطف و تصرفه لطف آخروعدمه منّا؛

وجود امام لطف است و مدیریت او لطف دیگری است و عامل عدم حضور او ما هستیم. (خواجه طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۲)

علامه حلی در تحلیل این عبارت می‌نویسند:

آن‌چه بر خداوند واجب است آفرینش امام و آموزش علوم به او و فراهم کردن زمینه شناسایی او و معرفی به مردم است و این کار را خداوند انجام داده است آن‌چه بر امام واجب است پذیرش امامت و تحمل مشکلات امامت است که امام این کار را انجام داده آن‌چه بر خلق واجب است یاری‌کردن امام و اجرا کردن دستورات اوست که مردم این کار را انجام نداده‌اند بنابراین عدم تحقق لطف کامل به علت مردم است و نه خدا و امام. (خواجه طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۳)

بنابراین، عامل تداوم غیبت، همکاری نکردن مردم است که کاری اختیاری است و تا این عامل به همکاری تبدیل نشود، ظهور اتفاق نخواهد افتاد. (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۵۱) بر همین اساس می‌توان به فهم این روایت رسید که فرمود:

انتظار الفرج من الفرج؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹، ح ۴۷۱)
انتظار فرج، خود، فرج است.

همچنین با توجه به این نکته می‌توان به علت ذکر ثواب‌های فراوان برای منتظران فرج حضرت که در روایات متعدد به آن اشاره‌شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۵، ۳۲۹ به بعد) دست‌یافت. بنا بر آن‌چه گفته شد عمده کار در بخش فراهم شدن مقدمات ظهور متمرکز شده و همین امر نیز نیازمند بستر زمانی فراوانی است.

ج) ویژگی‌های ترسیم‌شده برای حکومت امام مهدی علیه‌السلام نیز از جمله اموری است که می‌تواند پذیرش نظریه کوتاهی مدت حکومت آن حضرت را مورد تسهیل قرار دهد. براساس آن‌چه از روایات استفاده می‌شود کامل شدن عقول مردم که در برخی روایات به آن اشاره‌شده همانند روایتی که می‌فرماید:

> هنگامی‌که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر بندگان خواهد گذاشت و بدین‌وسیله، عقل‌های آنان جمع می‌شود و اخلاق‌شان کامل می‌شود. (الکافی، ج۱، ۲۵، ح۲۱)

نشان از فراهم شدن بستری از تیزهوشی همراه باکمال اخلاقی در مردم، می‌باشد که موجب کاهش و عدم نیاز به زمان زیاد برای انجام آن‌ها خواهد گردید. به تعبیری دیگر: این‌گونه از احادیث، نشانه سرعت و گسترش و توسعه علوم در میان مردم است که به دست امام مهدی علیه‌السلام صورت خواهد گرفت (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۵۹) بنابراین حضرت اموری را که نیازمند کار و تلاش باشد در ضمن روزهای اندک به سرانجام خواهد رساند آن‌هم نه در قالب معجزه و انجام امور خارق‌العاده بلکه در بستری عادی، در سایه رشد و پیشرفت‌های علمی (شاکر، ۱۳۹۴: ج۳، ۲۳۹_۲۷۰)

در روایتی دیگر آمده است:

> حضرت مردم را طی سه روز فرامی‌خواند ولی هیچ‌کس جوابی نمی‌دهد پس در روز چهار از خداوند تقاضای کمک می‌نماید... (طبری، ۱۴۱۳: ۴۵۵)

فراخوان حداکثر سه‌روزه و راه‌کار جدید برای انجام مقدمات حکومت در روز چهارم، همگی حاکی از سرعت انجام امور در حکومت حضرت است، هم‌چنان‌که در برخی روایات مجموع زمان جنگ‌های حضرت هشت ماه ذکرشده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۰۳)

از آن‌چه ذکر شد می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که میان طولانی بودن غیبت امام زمان علیه‌السلام و طولانی مدت حکومت آن حضرت تلازمی وجود ندارد تا از طولانی بودن غیبت آن

حضرت بتوان طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت را استفاده نمود.

۲. نیازمندی استقرار حکومت جهانی به زمان طولانی

استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن‌ها حاکمیت کفر و ظلم، با توجه به روش حکومتی حضرت در استفاده نکردن از معجزه در انجام امور که همان روش اجداد طاهرشان علیهم‌السلام است، نیازمند کوشش‌های طولانی و گسترده است و این امر نیازمند آن است که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سال‌ها در جهان حضورداشته باشد تا بتوانند به اهداف خود جامه عمل بپوشانند.

در کتاب ***موعودشناسی*** و پاسخ به شبهات، این استدلال این‌گونه تقریر شده است:

> مطابق قواعد عمومی، حدّ زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام زمان علیه‌السلام باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدّت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می‌کنیم: الف) هدف از خلقت ایجاد عبودیت خالص در سطح کل جامعه است، عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای این‌که عبادتم کنند. ب) حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با برپایی حکومت جهانی‌اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد. ج) پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است. نتیجه: بقای امام و حکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است: ۱. هدف کلی: برای مجموعه بشر که درنهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند؛ ۲. هدف مقطعی: که برای بشر در هر برهه زمانی متصوّر است و آن به نحو عام بدلی برای برخی از افراد بشر تحقق یافته است. (رضوانی، ۱۳۸۸: ۶۵۲)

در کتاب ***دانشنامه امام مهدی*** علیه‌السلام این دلیل این‌گونه تبیین شده است:

> مأموریت و رسالت مهدی علیه‌السلام تحقق ارزش‌های الهی و قرآنی و تأسیس جامعه توحیدی به معنای کامل آن است به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه اثری از شرک در آن دوره مشاهده نشود: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً﴾؛ (نور: ۵۵) تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. مسلم است که تأسیس چنین بنای عظیم، آن‌هم با آن عمق و گستردگی غیرقابل‌توصیف، کاری است که با توجه به روند طبیعی امور و عدم استفاده از قدرت اعجاز (مگر در موارد ضرورت)، نیاز به گذشت زمان دارد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج۹، ۱۲۹)

در کتاب ***تاریخ پس از ظهور*** این گونه آمده است:

غرض از آفرینش، پرستش خالصانه پروردگار و اجرای عدالت کامل در عرصه گیتی است. بدین منظور خداوند بزرگ برنامه‌ای بلندمدت را در قالب برنامه کلی پیش از ظهور، برای پدید آمدن شرایط آن تدارک دیده است و از سوی دیگر برای تداوم آن و نگهداری‌اش از زوال و نابودی، برنامه‌ای کلی را برای دوره پس از ظهور فراهم آورده است؛ همان برنامه‌ای که در مسیر طولانی‌اش، جامعه معصوم بشری را به ثمر خواهد نشاند. همچنین پیش‌تر با نقش محوری امام مهدی علیه‌السلام در هر دو برنامه آشنا شدیم؛ او ثمره و نماد پایان برنامه نخست و نقطه آغازین برنامه دوم می‌باشد و نخستین کسی است که نقش عدالت کامل را بر سیمای زمین حک خواهد نمود. این موضوع (با چشم‌پوشی از هر چیز دیگر) زمانی کافی را می‌طلبد تا مقصود حاصل گردد؛ در غیر این صورت امام مهدی علیه‌السلام نخواهد توانست در مدتی کم عدالت را پیاده سازد و درنتیجه غرض والای پروردگار عقیم می‌ماند که آن‌هم محال است. قبلاً هم گفته‌ایم که در چنین موردی، جایی برای معجزه نیست. ناگزیر امام باید آن‌قدر زنده بماند تا عدالت را کاملاً پیاده ساخته و تداوم آن را پس از خودش تضمین نماید؛ زیرا هنگامی که به میراث مصیبت باری که از دوره غیبت کبرا به عصر ظهور رسیده، بنگریم و سرپیچی مسلمانان را (چه رسد به غیرمسلمانان) از اصول اولیه اسلامی و تمسخر آن‌ها را نسبت به احکام الهی در نظر آوریم و اوضاع آشفته اخلاقی، اقتصادی، روانی، قانونی و اجتماعی آن‌ها را که فروپاشی‌اش هم چون روز روشن است، ملاحظه نماییم تا حدودی خواهیم توانست میزان تلاش سترگی را که جا دارد آن حضرت مبذول دارد تا دوزخ زمین را تبدیل به بهشت سازد، حدس بزنیم. البته این مقصود، تنها با فتح جهان و چیرگی بر آن به دست نمی‌آید؛ زیرا در آن زمان هرچند همه سرزمین‌ها اسلامی‌اند و از نظر فقهی و قانونی زیر نظر حکومت اسلامی می‌باشند، ولی تربیت آن جوامع بسیار پیچیده‌تر از فتح آن‌هاست و در حقیقت آن فتوحات، پیش‌درآمد تربیت جامعه بشری است و نه طمع سلطه بر آن. وظیفه امام مهدی علیه‌السلام آن است که عدالت کامل را به‌طوری که قابلیت تداوم داشته باشد، در جامعه بشری تثبیت نماید هرچند که مقام پیشوایی پس از او به مؤمنان مخلص دیگری وانهاده شود؛ بنابراین مدت زمان حضور حضرت در عرصه خاک و به دنبال آن، مدت زمان حکومت ایشان، باید برای به بار نشستن آن نتایج کافی باشد. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

همچنین در بخشی دیگر می‌نویسد:

امام مهدی علیه‌السلام همه دنیا را مانند ذو القرنین فتح می‌نماید و به همه سرزمین‌ها وارد

می‌شود و در آنجا مساجدی خواهد ساخت و... بی‌شک در مدت نه سال و کمتر از آن، حتی نمی‌توان یک چهارم مناطق مسکونی جهان را گردش و سیاحت نمود چه رسد به این‌که کسی در این فاصله، به جهاد و نبرد بپردازد، لشکرهای نظامی‌اش را سامان دهد و در همه سرزمین‌های جهان مسجد بنا نماید و... (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)

در کتاب ***معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*** هم در تبیین نیازمندی به زمان برای استقرار حکومت آن حضرت آمده است:

استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن‌ها حاکمیت کفر و ظلم نیازمند مجاهدتی طولانی و گسترده است و قطعاً حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باید سال‌ها در جهان حضورداشته باشد تا بتواند به همه اهداف خود جامه عمل بپوشاند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ج۲، ۶۲۱)

نقد و بررسی

برخی پاسخ‌ها که می‌توان از این دلیل ارائه نمود عبارت‌اند از:

الف) زمینه و بستر بسیاری از امور لازم برای یک حکومت در طول دوران غیبت با مدیریت از فرادست آن حضرت فراهم‌شده است چه آن‌که معنای صحیح «غیبت» از نظر شیعه به معنای ناپیدا بودن در مقابل «ظهور» است و نه به معنای «ناپدید بودن» در مقابل «حضور»؛ بنابراین از دیدگاه شیعیان، غیبت دوره‌ای است که آن حضرت در میان مردم هست، ولی ظهور ندارد و وجود امام در میان مردم به معنای انجام امور لازم و مرتبط با امامت است و چه‌بسا در حال غیبت توان انجام بسیاری از امور فراهم است که در حال حضور، انجام آن با دشواری‌هایی همراه است. لذا باید نگاه منتظر واقعی امام مهدی علیه‌السلام از حکومت آن حضرت تغییر نموده و امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را امامی بداند که در حقیقت عهده‌دار امامت و امام عصر غیبت است؛ امامی که از آغاز، با غیبت شروع کرده و تقریباً تمامی دوره امامت خویش را در غیبت و با نوعی خاص از مدیریت به انجام رسانیده است. (غنوی، ۱۳۹۳: ۲۷)

ب) در کتاب ***تاریخ پس از ظهور*** این‌گونه به این اشکال پاسخ‌داده‌شده است: طولانی بودن جنگ‌ها برای استقرار حکومت نسبت به تصور ما از شیوه‌های قدیمی جنگ، بسیار منطقی می‌باشد ولی اگر جنگ‌های مدرن این روزگار و نیز ضمانت‌های پیروزی امام را در نظر آوریم، نکته درستی نخواهد بود. (صدر، ۱۳۸۴: ج۱، ۳۸۷) نگارنده کتاب، نکته پیش‌گفته را در قالب دیگر این‌گونه به نگارش درآورده است:

نباید از زمان نسبتاً کوتاه این رویداد شگفت‌زده شد زیرا مأموریتی را که امام بر دوش

دارد، دیگران نخواهند توانست حتی در طول یک قرن هم به انجام رسانند؛ باری، بشریت در طول تاریخ دراز خود از انجام این کار عاجز بوده است. درحالی‌که می‌توان تصور نمود آن حضرت باقابلیت‌هایی ژرف و دانش و توفیق الهی و به مدد شایستگی یارانش که فرماندهان و قاضیان و حاکمان دولت اویند، خواهد توانست آن مأموریت را درزمانی نسبتاً کوتاه به انجام رساند؛ چیزی که انجامش توسط دیگران به افسانه می‌ماند. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

ج) در کتاب ***المهدی فی کتب الصحاح والسنن*** در تبیین روایاتی که دلالت بر کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام دارند آمده است:

این خود فضیلتی بزرگ برای مهدی است که قیام او برای اصلاح دینی و دنیایی وعده داده‌شده، در این مدت کوتاه رخ می‌دهد. چنان‌که قیام جد بزرگوار او ـ درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد ـ نیز در مدت هشت سال؛ یعنی از سال دو هجری به بعد، به ثمر نشست. (سید صدرالدین صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۱ـ ۲۴۲)

د) نویسنده کتاب ***منتخب الاثر فی الامام المنتظر*** نیز کوتاهی حکومت حضرت را امری قابل‌قبول دانسته و می‌نویسند:

چه اشکالی دارد که مدت کوتاهی که در روایات ذکرشده مربوط به سال‌های اوج قدرت و کمال تسلط حضرت بر شرق و غرب عالم باشد که همه گیتی را در آن پر از عدل و داد می‌کند و این دوره کوتاه در مقابل مدتی است که زمین از ظلم و جور پر می‌شود و حق به حدی منزوی می‌گردد که هیچ‌کس جز در نهان نمی‌تواند نام «الله» را به زبان بیاورد و اما ظلم و ستمی که جهانی نباشد و باطلی که در برابر حق قرار می‌گیرد، امری است که طبع این عالم مادی همواره آن را اقتضاء می‌کند و همیشه وجود دارد، جز در همان مدت کوتاهی که حکومت حضرتش همه نقاط جهان را فرامی‌گیرد. (صافی، ۱۴۲۲: ج۶، ۸ ـ ۹)

هـ) در کتاب ***فرهنگ‌نامه مهدویت*** در بیان چگونگی تناسب زمان محدود برای آن انقلاب بزرگ آمده است:

فلسفه امام مهدی علیه‌السلام همانند فلسفه بعثت انبیا و رسولان الهی است. منظور از برانگیخته شدن رسولان الهی، ابلاغ دستورهای خداوند سبحانه و تعالی و نصب مشعل فروزان هدایت بر سر راه کاروان بشریت است. طولانی یا کوتاه بودن مدت ابلاغ رسالت، به اصل آن آسیب نمی‌رساند. دوران پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بیست‌وسه سال بود؛ ولی واپسین پیام الهی را ابلاغ کرد و این مشعل هدایت را برافروخت. از سوی دیگر،

می‌توان به مدت نبوّت حضرت نوح علیه‌السلام اشاره کرد که برخلاف مدت طولانی آن، به دلیل عدم تحقق شرایط مساعد، نتیجه قابل‌توجهی به بار نیاورد. دوران امامت و حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نیز چنین است. مقصود اصلی ابلاغ رسالت الهی و تحقق بخشیدن به حکومت جهانی خداوند سبحانه و تعالی و حاکمیت مستضعفان است؛ هرچند در مقایسه با کل تاریخ، سالیانی محدود باشد. (سلیمیان، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

۳. اقتضای لطف الهی

مردمان بسیاری در طی قرون متمادی در صبح و شام در دعاهای خود درخواست درک محضر آن حضرت را می‌کنند و انتظار آن است که این دوران آن‌قدر طولانی باشد تا موجب فراموشی دوران سخت و طولانی غیبت باشد، درحالی‌که بنا بر کوتاهی مدت حکومت، امکان اجابت چنین درخواستی مقدور نخواهد بود.

آیت‌الله محمد صدر می‌نویسند:

لطف و کرم الهی اقتضا دارد که مدت حکومت عدل، آن‌قدر باشد که مردم تلخی‌های دوران ستم و بیداد را فراموش کنند و برای این منظور، هفت یا نه سال زمان کمی است. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)

نقد و بررسی

بی‌تردید درک برخی از زمان‌ها، از جمله آرزوهای مؤمنان در طول تاریخ بوده است، چنان که امام حسین علیه‌السلام در دعای عرفه، خدای را از بابت درک زمان ظهور نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و به دنیا نیامدن در زمان جاهلیت شکر نموده و می‌فرماید:

لم تخرجنی لرأفتک بی و لطفک لی واحسانک الیّ فی دولة ائمة الکفر؛ (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج۲، ۷۴)

از رحمت و لطفت مرا در زمان دولت سران کفر به دنیا نیاوردی.

در مورد درک حضور زمان امام مهدی علیه‌السلام نیز امام صادق علیه‌السلام از توفیق درک آن زمان این‌گونه تعبیر می‌نمایند:

طوبی لمن ادرکه؛ (نعمانی، ۱۳۹۵: ج۱، ۲۸۷)

خوشا به حال کسی که او را درک نماید.

ولیکن توجه به این نکته لازم است که:

الف) این‌گونه نیست که به فراموشی سپردن تلخی دوران ستم و بیداد، همیشه با طولانی بودن و استمرار زمان عدل و داد، تلازم و رابطه تنگاتنگ داشته باشد بلکه ممکن است در ظرف

زمانی محدود نیز در سایه سار حکومت مهدوی به گونه‌ای عمل گردد که به راحتی کمبود سال‌های طولانی سختی و مشقت جبران گردد، همان‌طور که در امور دنیوی نیز بعضاً شاهد چنین رویکردی می‌باشیم.

ب) همان‌گونه که بی‌تردید درک افرادی که حکومت آن حضرت را خواهند دید، از جهت کوتاهی و طولانی بودن عمر متفاوت خواهد بود و هرگز نمی‌توان این تفاوت را دلیلی بر عدم لطف و کرم الهی نسبت به آن‌ها دانست بلکه هرکس متناسب با دریافت خود مورد محاسبه قرار خواهد گرفت؛ در مقیاسی گسترده‌تر کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام نیز این‌چنین خواهد بود.

ج) علاوه بر آن که در صورت خواست خداوند، امکان تحقق درخواست مؤمنین در قالب رجعت ممکن و میسور است.

پاسخ‌های کلی برنظریه طولانی بودن مدت حکومت

در کنار پاسخ‌هایی که به‌طور خاص به دلیل‌های مطرح‌شده ارائه گردید، توجه به این نکته بایسته به نظر می‌رسد که گام اول در ورود به هر مسئله تعیین رویکرد عقلی و یا نقلی متناسب با آن مسئله و یا موضوع است؛ مسئله مدت حکومت حضرت نیز از جمله اموری است که در صورت عدم وجود روایات در مورد آن مجالی برای درک و دریافت عقل فراهم می‌شد و لکن باوجود روایات، نوبت به جولان عقل نمی‌رسد. بر این اساس مخالفان کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام باید همان‌گونه که در مباحث فقهی مرسوم و متعارف است به تحلیل و بررسی روایاتی که در این زمینه واردشده است بپردازند، درحالی‌که آن‌چه در عمل مشاهده می‌شود ارائه تحلیل عقلی، فارغ از روایات فراوانی است که بر کوتاهی مدت حکومت آن حضرت دلالت دارند همان‌طور که آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌نویسند:

> قطع‌نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه‌مدت نیست بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این‌همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۱)

پرواضح است که اگر روایات محدودکننده زمان حکومت حضرت نمی‌بود متناسب با طبیعت چنین انتظاری، طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت است. توجه به همین نکته است که موجب شده طرفداران کوتاهی مدت حکومت با تحلیل و تعمیق در روایاتی که بر کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام اشاره دارند و تمام همت و توجه خود را به واکاوی

این‌گونه از روایات معطوف نموده‌اند.

با عنایت به نکته پیش‌گفته، محوریت در این‌گونه از مباحث، توجه به روایات مطرح خواهد بود و ادله عقلی تنها در جایگاه تأیید توان استناد را خواهند داشت.

دلیل و قائلین نظریه کوتاه بودن مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام

عمده‌ترین دلیل بر طرح نظریه کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام علی‌رغم آن‌که طولانی بودن مدت حکومت امری است که با این‌گونه غیبت دامنه‌دار متناسب می‌باشد، توجه به رویکرد نقلی حاکم در این‌گونه مسائل و روایات مورد استناد می‌باشد که نقش محوری را در ترجیح دادن نظریه کوتاهی مدت حکومت و فراهم نمودن بستری برای جمع‌آوری قرائن و شواهد این مطلب فراهم آورده است.[1]

نظریه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام مورد قبول برخی از اندیشمندان اسلامی قرار گرفته از جمله:

آیت‌الله سید صدرالدین صدر رحمه‌الله که ضمن اشاره به اختلاف روایات واردشده در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه‌السلام به‌ویژه در روایاتی که از طریق اهل‌سنت نقل‌شده است، ابتدا سخنی از *اسعاف الراغبین* (ص۱۵۵) در ترجیح روایات هفت سال ـ به شرح ذیل ـ نقل می‌کند:

> بیشتر روایات بر این موضوع اتفاق دارند که مدت حکومت او هفت سال است و تردید و زیادتر از این مقدار تا تمام شدن نه سال است و در مورد روایت شش سال هم همین موضوع مطرح است.

سپس در ادامه می‌نویسند:

> بیشتر احادیث این باب بر این موضوع اتفاق دارند که مدت حکومت او هفت سال است و تردید در زیادتر از این مقدار تا تمام شدن، نه سال است و این قول (هفت سال بودن حکومت) ظاهرتر و مشهورتر است. (صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۱ـ ۲۴۲)

سید محمدکاظم قزوینی رحمه‌الله نیز پس از اشاره به روایت‌های مختلفی که درزمینه مدت زمامداری امام مهدی علیه‌السلام وارد شده است می‌نویسد:

> به نظر نگارنده، روایات دسته دوم که سال‌های حکومت آن حضرت پس از قیام برای اصلاح جهان را حدود بیست سال عنوان می‌کند، بیشتر است و بدان دسته بهتر

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج۵۲؛ ر.ک: مقاله بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه‌السلام، ورمزیار، مصطفی، پژوهش‌های مهدوی، قم، ش۶.

می‌توان اعتماد کرد. (قزوینی، ۱۴۱۵: ۵۱۹)

تأییدی برای نظریه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام

ازجمله اموری که به تسهیل در پذیرش نظریه کوتاه بودن زمان حکومت امام یاری می‌رساند؛ عدم تعجب و به دنبال آن عدم سؤال راویان احادیث زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام در کنار عدم احساس نیاز توضیح از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. گویا مدت ذکرشده در روایات، در نظر گوینده و مخاطب مدتی قابل قبول برای تشکیل یک حکومت تلقی می‌شده است؛ لذا هیچ سؤالی از چرائی کوتاهی آن و یا عدم تناسب آن با مأموریت آن حضرت، مطرح نشده است. البته ممکن است گفته شود روایاتی که در آن‌ها مدت هفت سال، با ده برابر شدن، هفتادسال خوانده‌شده‌اند به انگیزه رفع استبعاد از کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام صادر شده‌اند. شیخ طوسی از «فضل بن شاذان» از «عبدالله بن القاسم الحضرمی» از «عبدالکریم بن عمرو الخثعمی» این‌گونه روایت کرده است که:

> به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: چه مدت قائم علیه‌السلام حکومت خواهد کرد؟ فرمود: هفت سال؛ که به سال‌های شما هفتادسال می‌شود. (طوسی: ۷۹۰)

و لکن باید توجه داشت که اگرچه «سخنان فراوانی در توجیه این روایت ـ که اساس روایاتی از این قبیل است ـ به میان آوردند که برخی شگفت‌آورتر از خود روایت است. در مراجعه به منابع پیش از آن، درخواهیم یافت که در هیچ‌یک از منابع پیش از آن، به این روایت اشاره نشده است... کسانی که به مضمون روایت پافشاری می‌کنند پاسخ دهند که اساساً چنین رخدادی به کدامین توجیه اتفاق خواهد افتاد، درحالی‌که نظام کنونی بدون آن‌که دارای نقص و کاستی باشد، می‌تواند در آن دوران نیز ادامه یابد؟ و اگر شگفتی‌هایی در نظام کهکشانی برای پیامبران پیشین علیهم‌السلام رخ‌داده، بنا بر ضروراتی آن معجزات صورت گرفته است که در زمان ظهور آن‌هم با استمرار به مدت طولانی لزومی ندارد. افزون بر آن، ده‌ها روایت که سخن از مدت حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام را به میان آورده‌اند، هرگز به این معنا اشاره‌ای نکرده‌اند.» (سلیمیان، ۱۳۸۵: ۲۸۷)

نتیجه‌گیری

هرچند در پاسخ به کمینه و بیشینه مدت حکومت مهدوی، نقل‌های گوناگونی گزارش شده است که آن را از اعدادی کمتر از ده سال تا فراتر از چند صدسال به تصویر کشیده‌اند؛ اما می‌توان با نگاهی به خانواده احادیث این موضوع به جمع‌بندی واقعی از این

روایات نزدیک شد.

دقت سندی در روایات مطرح‌شده یکی از راه‌های دست‌یابی به پاسخ مطمئن به این موضوع می‌تواند تلقی شود، هرچند این دقت به‌تنهایی نمی‌تواند راه گشا در این مسیر باشد. از این‌رو تلاش شد افزون بر این نکته با کمک خرد و استدلال به بررسی دلایل هر دو نگاه کلان پرداخت. حاصل نگرش به آن‌چه گذشت آن است که باوجود دلایل نقلی و عقلی که بر نظریه طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام بیان‌شده است، اما در برآیندی کلی نتیجه گرفته شد مجموع روایات بر کوتاهی مدت حکومت دلالت می‌کنند. همچنین برخی نکات که به تسهیل پذیرش نظریه کوتاهی مدت حکومت دلالت دارند همراه با برخی از قائلین به نظریه کوتاه بودن مدت حکومت، مورد اشاره قرار گرفت. در نهایت پیوند رستاخیز و فرجام دادرسی در قیامت با پایان حکومت مهدوی می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از دغدغه‌ها در لزوم طولانی بودن حکومت مهدوی تلقی شود.

با توجه به برخی نکات مطرح‌شده در این مقاله، پژوهش در رابطه با لزوم بازنگری در مورد نگاه منتظر واقعی به حکومت آن حضرت و این‌که امام زمان علیه‌السلام امامی دانسته شود که در حقیقت عهده‌دار امامت و امام عصر غیبت است؛ (غنوی، ۱۳۹۳: ۲۷) همچنین واقعی یا نمادین دانستن برخی نشانه‌های دوران ظهور امام مهدی علیه‌السلام همانند طولانی بودن عمر انسان‌ها؛ پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی، ***الاقبال بالاعمال الحسنة***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، ***کشف الغمة فی معرفة الائمة***، تبریز، بنی‌هاشم، ۱۳۸۱ق
- الهی‌نژاد، حسین، نمادگرایی در نشانه‌های ظهور، ***مشرق موعود***، ش۳۸، قم، آینده روشن، تابستان ۹۵
- حلی، حسن بن یوسف، ***کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد***، تحقیق: علامه حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ق
- رحمن ستایش، محمدکاظم، جهان پس از امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از دیدگاه روایات، ***مشرق موعود***، ش ۳۲، قم، آینده روشن، زمستان ۹۳
- رضوانی، علی‌اصغر، ***دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر***، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش
- ـــــــــــــ، ***موعودشناسی و پاسخ به شبهات***، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ ششم، ۱۳۸۸ش
- رضوی، رسول، ***امام مهدی*** علیه‌السلام، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ش
- سبحانی‌نیا، محمدتقی، نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور، ***مشرق موعود***، شماره ۱۱، قم، آینده روشن، پاییز۱۳۸۸
- سفارینی، محمد بن احمد، ***لوائح الانوار البهیة والبحور الزاخرة***، قاهره، ۱۳۲۴ق
- سلیمان، کامل، ***روزگار رهایی***، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۶ش
- سلیمیان، خدامراد، ***پرسمان مهدویت***، قم، شباب الجنه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش
- ـــــــــــــ، ***فرهنگ‌نامه مهدویت***، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۳۸۸ش
- شاکر، محمدتقی، ***اعجاز و تمدن الهی عصر ظهور*** (مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی)، قم، انتشارات دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۴ش
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ***معرفت امام زمان و تکلیف منتظران***، تهران، موعود عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۳۸۷ش
- صافی، لطف‌الله، ***منتخب الاثر فی الامام المنتظر***، ترجمه: محسن احمدی، قم، ۱۳۹۳ش
- صدر، سیدمحمد، ***تاریخ مابعد الظهور***، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲ق
- صدر، صدرالدین، ***المهدی فی کتب الصحاح والسنن***، بیروت، دار الرافدین، بی‌تا

- صدر، محمد، ***تاریخ پس از ظهور***، تهران، موعود عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۳۸۴ش
- صدر، محمدباقر، ***دروس فی علم الاصول***، قم، دارالعلم، ۱۴۳۵ق
- صدوق، محمدبن علی بن حسین، ***کمال‌الدین و تمام النعمة***، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق
- ـــــــــــــــــــــ، ***الخصال***، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ق
- طبری، محمدبن جریر، ***دلایل الامامة***، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق
- طوسی، محمدبن الحسن، ***تهذیب الاحکام***، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق
- ـــــــــــــــــــــ، ***الغیبة***، ترجمه وتحقیق: مجتبی عزیزی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۱ق
- ـــــــــــــــــــــ، ***الغیبة***، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق
- غنوی، امیر، مدیریت از فرادست بر پایه مستندات، ***مشرق موعود***، ش ۳۲، قم، آینده روشن، زمستان ۱۳۹۳
- قزوینی، محمدکاظم، ***الامام المهدی من المهد الی الظهور***، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۵ق
- قنبری، آیت، ***آینده جهان در نگاه ادیان***، تهران، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ش
- کاشف الغطاء، محمدحسین، ***اصل الشیعة و اصولها***، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق
- کلینی، محمدبن یعقوب، ***الاصول من الکافی***، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۵ق
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، ***المصباح للکفعمی*** (جنة الأمان الواقیة)، قم، دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق
- مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار الجامعة لأخبار الائمة الاطهار***، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- محمدی ری‌شهری، محمد، ***دانش‌نامه امام مهدی*** علیه‌السلام، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۳ش
- مرتضوی، محمد، ظهور مهدی در انتخاب ماست، ***مشرق موعود***، ش ۱۱، قم، آینده روشن، پاییز ۱۳۸۸
- مکارم شیرازی، ناصر، ***حکومت جهانی مهدی*** علیه‌السلام، قم، نسل جوان، چاپ نهم، ۱۳۹۲ش
- نعمانی، محمدبن ابراهیم الکاتب، ***الغیبة***، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق
- ورمزیار، مصطفی، بررسی روایات مدت حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ***پژوهش‌های مهدوی***، قم، ش۶، آینده روشن، پاییز ۹۲